گزارش «جوان» از دومین گلستان شهدای جهان اسلام

روایتگر خاموش حماسه آفرینی مردم اصفهان

علیرضا محمدی

گلستان شهدای اصفهان بعد از بهشت زهرای تهران، بزرگ‌ترین زیارتگاه شهدای کشور یا حتی جهان اسلام است. از حیث نظمی که در این گلستان وجود دارد، شاید بتوان آن را منظم‌ترین زیارتگاه کشور نیز دانست. قطعه‌های شهدا بر اساس نوع واقعه یا عملیات مختلف، تقسیم‌بندی شده است. همانند: قطعه حنظله، قطعه عملیات فرماندهی کل قوا و بیت‌المقدس، قطعه ثامن‌الائمه و چزابه، قطعه طریق‌القدس، قطعه فتح‌المبین، بیت‌المقدس و رمضان، قطعه حبیب ابن‌مظاهر، قطعه‌های محرم (چهار قطعه جداگانه)، قطعه‌های والفجر، قطعه‌های شهدای خیبر، قطعه شهدای غرب، قطعه شهدای بدر، قطعه شهدای قادر، قطعه شهدای گمنام، قطعه شهدای کربلای ۵ و... که از این جمله هستند.

سرزمین شهدا

در کل استان اصفهان را باید سرزمین شهدا بنامیم. اینجا سرزمینی است که به نسبت جمعیتش بیشترین شهید را تقدیم کرده است. این استان با تقدیم بیش از ۲۳ هزار شهید، ۴۸ هزار و ۲۰۰ جانباز و ۳ هزار و ۵۰۰ آزاده، برترین آمار ایثارگری کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین در رویدادهایی دیگری چون وقایع سال ۸۸ و دفاع از حریم اهل بیت، باز اصفهان گوی سبقت را از بسیاری شهرهای دیگر ربوده و جایگاه ویژه‌ای دارد. به گونه‌ای که این استان در سال گذشته یادواره ۹۰ شهید مدافع حرم خود (اعم از ایرانی و غیرایرانی) را برگزار کرد. شهدایی که بسیاری از آنها در گلستان شهدای شهر اصفهان به خاک سپرده شدند. در یک نگاه کلی استان اصفهان با تقدیم یک شهید به ازای هر ۱۴۴ نفر (مرد و زن) به نسبت جمعیت بیشترین شهید را دارد.

از جمله آمار ایثارگری اصفهان باید به چنین مواردی اشاره کرد: یک ششم شهدای روحانی کشور و همچنین یک ششم شهدای دانش‌آموز کشور متعلق به استان اصفهان هستند. اصفهان حدود یک هزار شهید جاویدالاثر دارد. تعداد ۱۵۰۰ شهید اصفهانی الاصل نیز خارج از استان اصفهان مدفون هستند. تقدیم ۵ هزار و ۴۸۶ دانش‌آموز، ۵۴۳ طلبه و روحانی، ۲۱۴ معلم و فرهنگی، ۴۹۱ دانشجو، ۱۶۵ مهندس، ۱۰۸۶ ورزشکار، ۲۵ پزشک، ۱۸۸ شاعر و هنرمند، ۲۰ خبرنگار و رسانه‌ای، ۱۱۷ شهیده زن و ۹۰۰ کارمند شهید گوشه‌ای دیگر از حماسه مردم اصفهان در دفاع مقدس است.

گلستانی با ۷ هزار شهید

گلستان شهدای اصفهان با ۷ هزار و ۴۴۷ شهید به عنوان دومین گلزار شهدای جهان اسلام شناخته شده است که در تمام ایام سال میزبان دوستداران شهدا و دفاع مقدس است. این گلستان در جوار تخت فولاد، قبرستان قدیمی اصفهان قرار دارد. آنطور که آورده شده پس از دفن پیکر آیت‌الله شمس‌آبادی در زمینی در جوار تخت فولاد، رفته رفته شهدای انقلاب اسلامی که در حکومت نظامی، درگیری با ایادی رژیم طاغوت و دیگر وقایع به شهادت رسیده بودند در این زمین دفن شدند و گلستان شهدای اصفهان تأسیس شد. استان اصفهان و خصوصاً شهر اصفهان در ایام مبارزات انقلابی از ارکان اصلی مخالفت ملت ایران در برابر رژیم پهلوی بود. یکی از حوادث تاریخ انقلاب اسلامی در اصفهان روز ۱۹ مرداد ۱۳۵۷ شمسی مصادف با ۵ رمضان سال ۱۳۹۸ قمری رخ داد. در این روز کشتار بی‌سابقه مردم اصفهان منجر به اولین حکومت نظامی این شهر و شعله‌ور شدن آتش خشم اصفهانی‌ها علیه رژیم طاغوت شد.

۲ لشکر، هزاران شهید

دوران دفاع مقدس (از اغتشاشات کردستان تا اتمام جنگ تحمیلی) زمانی بود که گلستان شهدای اصفهان گستردگی چشمگیری یافت. مردم استان اصفهان در دوران دفاع مقدس همواره حضوری پررنگ و مؤثر در جبهه‌های جنگ داشتند. اصفهان اولین استانی بود که در سال‌های دفاع مقدس دو لشکر به خود اختصاص داد و هزاران شهید تقدیم کرد. نیروهای اعزامی از این استان در لشکر ۱۴ امام حسین(ع)، لشکر ۸ نجف اشرف و گروه موشکی ۱۵ خرداد در جبهه‌های غرب و جنوب حاضر بودند. همچنین بیش از نیمی از نیروهای تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم(ع) نیز از رزمنده‌های اعزامی این استان بودند. اصفهانی‌ها در تمامی مناطق درگیری با دشمن از کردستان گرفته تا سیستان و بلوچستان و... حضوری پررنگ داشتند.

گسترش گلستان شهدا

اگر بخواهیم تاریخچه گلستان شهدای اصفهان را با دقت بیشتری مرور کنیم، با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ و آغاز توطئه‌ها در کردستان و سیستان و بلوچستان و... بسیاری از جوانان انقلابی اصفهان برای مبارزه با دشمن عازم این مناطق شدند. با شهادت تعدادی از رزمندگان اصفهانی، ابتدا این شهدا را در قطعه «حمزه سیّدالشهدا» در شمال غربی بقعه شهید شمس آبادی دفن می‌کردند. ولی با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران رفته رفته گنجایش آن قطعه تمام شد و ضرورت انتخاب یک مکان دیگر برای دفن شهدا بیشتر احساس شد. بهمن فعلی زمین واگذار شد. کمی بعد نیز قطعه زمین شهدای عملیات فرماندهی کل قوا، ثامن‌الائمه، آزادسازی شمال آبادان، و طریق‌القدس (آزادسازی بستان) در شمال و شمال غربی بقعه آیه‌الله اشرفی اصفهانی با مذاکره با مالکین آنها، اهدا گردید. مثلاً آقای دکتر سیّد سعیدالدین سجادی در آغاز اجازه دفن یک تعداد از شهدا را داد ولی پس از شهادت پسر خودش در جبهه‌های جنگ، همه زمین خود را در اختیار گلستان شهدا گذاشت. به همین ترتیب رفته رفته گلستان شهدای اصفهان با آوردن شهدای عملیات و رویدادهای مختلف، گسترش یافت.

دفن ۳۷۰ شهید در یک روز

در عملیات محرم که آبان ماه ۱۳۶۱ انجام گرفت، طغیان رودخانه دویرج منجر به شهادت حدود ۸۰۰ رزمنده از استان اصفهان شد.

> با شهادت تعدادی از رزمندگان اصفهانی، ابتدا این شهدا را در قطعه «حمزه سیّدالشهدا» در شمال غربی بقعه شهید شمس آبادی دفن می‌کردند. ولی با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران رفته رفته گنجایش آن قطعه تمام شد و ضرورت انتخاب یک مکان دیگر برای دفن شهدا بیشتر احساس شد

حدود دو هفته بعد از این واقعه، پیکر ۳۷۰ نفر از شهدای محرم به اصفهان رسید. ارسال نوبتی پیکر شهدا ابتکار شهید خرازی بود تا مبادا روحیه مردم از خیل عظیم شهدا تضعیف شود. اما گلزار شهدای این شهر امکان پذیرایی از همین ۳۷۰ پرستوی مهاجر را نیز نداشت. شهدایی که برای خاکسپاری‌شان فرصت چندانی در اختیار نبود. تصمیم گرفته شد تا خانه‌های اطراف گلستان را از سکنه تخلیه، تخریب و آماده‌سازی کنند. لذا عصر روز ۲۳ آبان ۶۱ چند نفر از اعضای ستاد شهدا به منازل اطراف گلستان شهدا رفتند و با اهالی در مورد برنامه خاکسپاری ۳۷۰ شهید و کمبود مکان در گلستان گفت‌وگو کردند. با موافقت و حتی اشتیاق وصف‌ناپذیر مردم به منظور تخلیه و تخریب خانه‌هایشان برای میزبانی از شهدای دفاع مقدس، حدود ۱۶ خانه در کوچه لسان‌الارض تا پشت تکیه لسان‌الارض در گلستان شهدای کنونی و بخشی دیگر از این مکان فقط در مدت یک شب تخلیه و آماده‌سازی شد.

دو روز بعد (۲۵ آبان ماه ۱۳۶۱) تشییع باشکوه ۳۷۰ شهید عملیات محرم و دفن آنها در گلستان شهدای اصفهان انجام گرفت. تشییع این تعداد شهید آن هم در یک شهر چنان تأثیری در سراسر کشور گذاشت که حضرت امام را نیز به واکنش واداشت. ایشان در این خصوص فرمودند: «شما در کجای دنیا می‌توانید جایی را مثل استان اصفهان پیدا کنید؟ همین چند روز پیش فقط در شهر اصفهان در حدود ۳۷۰ نفر را تشییع کردند...» امروز نیز گلستان شهدای اصفهان با چند هزار شهید انقلاب، دفاع مقدس، مدافع حرم و... همچنان به عنوان یکی از مراکز مورد توجه جوانان و عموم مردم جلوه‌نمایی می‌کند. شهید حاج حسین خرازی، شهید حسن غازی، مسلم خیزاب (مدافع حرم)، برادران ربانی و... از جمله شهدای بنام این گلستان هستند که طرفداران بی‌شماری نزد جوانان اصفهانی و سایر جوانان کشورمان دارند. اگر سفری به شهر تاریخی اصفهان داشتید، حتماً سری هم به این گلزار باشکوه بزنید تا شمه‌ای از تاریخ معاصر کشورمان، بی‌حرف و کاملاً صادقانه پیش چشمتان قرار گیرد.

> دو روز بعد (۲۵ آبان ماه ۱۳۶۱) تشییع باشکوه ۳۷۰ شهید عملیات محرم و دفن آنها در گلستان شهدای اصفهان انجام گرفت. تشییع این تعداد شهید آن هم در یک شهر چنان تأثیری در سراسر کشور گذاشت که حضرت امام را نیز به واکنش واداشت

حماسه اصفهانی‌ها در کلام رهبری

در اینجا بد نیست اشاره‌ای به تعبیر زیبایی داشته باشیم که مقام معظم رهبری در خصوص حماسه‌آفرینی مردم اصفهان داشتند. ایشان می‌فرمایند: «اصفهان شما در خیلی از میدان‌ها جلوتر از دیگران حرکت کرد. از جمله میدان جنگ، از جمله میدان شهادت، از جمله در به وجود آوردن اساس سپاه. بنده در سال اول خیلی از جاها می‌رفتم می‌دیدم فرمانده را از مرکز یک جوان اصفهانی فرستاده‌اند. رفتیم بلوچستان دیدیم اصفهانی است. رفتیم مازندران دیدیم اصفهانی است. رفتیم مشهد دیدیم اصفهانی است. خوب مشهد که یک جای دورافتاده‌ای نیست. مثلاً یا مازندران که یک گوشه پرت شده کشور نیست. اما عنصری که رفته بود آنجا سپاه را برای اولین بار پایه‌گذاری بکند یک جوان اصفهانی بود... در مشهد هم اینطوری بود. در مازندران هم اینطوری بود. در بلوچستان هم اینطوری بود. در خیلی جاهای دیگر اینطوری بود... به هر حال در میدان شما حق بزرگی به گردن جنگ و به گردن کشور دارید و این حق را همین بزرگان شما همین فرماندهان سپاه به وجود آورده‌اند.»

شهید آوینی نیز گفته است:

«اینجا اصفهان است، اصفهانی که در کردستان و غرب و جنوب، در جبهه‌های نبرد، هر جا که می‌روی بیشتر از همه لهجه شیرین مردم آنجا را می‌شنوی، ماشاءالله امروز اصفهان شاهد راهپیمایی ۲۵ لشکر از لشکرهای احتیاط قدس است. بیایید همراه با این راهیان قدس، امشب در ضیافتی که مردم خوب اصفهان برای رزمندگان، فرزندان دلاور خویش، در مسجد شهید بهشتی ترتیب داده‌اند شرکت کنیم. کاش شما هم در سرتاسر خیابان چهارباغ، کامیون‌های هدایای مردم را می‌دیدید. حیاط مسجد را هم ببینید که دیگر هیچ جای خالی ندارد.»

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۴۵۶

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «جوان» با پدر و مادر شهید جواد مقدم

جواد امانتی بود که خدا در شلمچه از ما پس گرفت

فریده موسوی

حجت‌الاسلام اسدالله مقدم امام جماعت مسجد امام رضا(ع) در منطقه ۱۷ تهران است. بارها نمازهای جماعت را در این مسجد و به ایشان اقتدا کرده بودم، اما نمی‌دانستم که دو تن از فرزندانش از شهدای دفاع مقدس هستند. اولین بار تصویر برادران مقدم را روی دیوار مسجد دیدم، پرس‌وجو کردم تا به حاج آقا مقدم راهنمایی شدم. ایشان قرار مصاحبه را با روی باز پذیرفت و ساعتی مهمان او و همسرش سیده صفیه حسینی در منزلشان شدم. روایت زیر شمه‌ای از زندگی جواد مقدم یکی از فرزندان این پدر و مادر بزرگوار است.

سرباز در گهواره امام

در ابتدای مصاحبه مادر شهید که ۷۵ سال دارد و هنوز می‌شود غم فراق را از چشمانش خواند، سخن را آغاز می‌کند و می‌گوید: من چهار پسر و دو دختر داشتم که خدا دو تا از پسرهایم را برای خودش انتخاب کرد و با شهادت بردشان. جواد سومین فرزندمان بود. متولد سال ۱۳۴۸، از همان سربازهای توی گهواره امام که انگار زاده شده بود در راه نهضت اسلامی سربازی کند.

پدر شهید هم می‌گوید: جواد بچه باهوشی بود. به خاطر هوش بالایی که داشت او را در مدرسه سلمان فارسی ثبت‌نام کردیم که مخصوص بچه‌های تیزهوش بود. دبستانش مصادف با ایام انقلاب بود و این بچه با آن سن کمش دوست داشت فعالیت کند و گاهی در تظاهرات شرکت می‌کرد.

مادر شهید ادامه می‌دهد: یادم است یکبار که جواد می‌خواست به مدرسه برود، خیلی گریه می‌کرد، گفتم پسرم مدرسه رفتن که گریه ندارد، گفت من نگران حال امام خمینی هستم مبادا اتفاقی برای ایشان بیفتد. از همان زمان که هنوز انقلاب به پیروزی نرسیده بود، امام را خوب می‌شناخت و نگران حال ایشان بود. شاید ۹ سال بیشتر نداشت، اما آگاهی خوبی نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی داشت.

شش ماه در جنگ

از پدر شهید می‌پرسم جواد چند بار به جبهه رفت؟ پاسخ می‌دهد: وقتی جنگ شروع شد، جواد ۱۱ سال بیشتر نداشت. از همان اول می‌خواست برود، اما اجازه نمی‌دادند. وقتی سنش به جبهه رفتن رسید، صبر نکرد و داوطلبانه عازم شد. دو دوره سه ماه در جبهه بود. جمعاً شش ماه منطقه داشت. سال ۶۵ هم که به شهادت رسید و مفقود شد.

مادر شهید می‌گوید: البته ما نمی‌دانستیم که جواد شهید شده است. خبر درستی به ما نداده بودند. پسر خواهرم هم آن موقع اسیر شده بود. یک یکدانه مادرش بود و از خدا می‌خواستم اگر خبری از جوادم نشد، حداقل خدا او را سالم پیش خانواده‌اش برگرداند. وقتی که اسرا آزاد شدند، پسر خواهرم در بین آنها برگشت، اما جوادم هرگز نیامد.

پدر شهید ادامه می‌دهد: یکبار به مناطق عملیاتی دفاع مقدس سفر کرده بودیم. همسرم آنجا خیلی گریه کرد. من هم از دیدن ناراحتی او دلم شکست و گریه کردم. وقتی اسرا برمی‌گشتند ما کوچه را چراغانی کرده بودیم، اما آخرین گروه آزاده‌ها هم آمدند و از جواد خبری نشد.

۹ سال چشم‌انتظاری

می‌پرسم کی پیکر پسرتان تفحص شد؟ مادر شهید می‌گوید: سال ۷۴ بود که جوادم برگشت. البته در یک قنداق که خیلی کوچک‌تر از خودش بود. ۹ سال از پسرم بی‌خبر بودیم و امید داشتیم که سالم برگردد، اما او در همان سال ۶۵ به شهادت رسیده بود و فقط پیکرش مفقود مانده بود. آمدنش مصادف شد با شب ۲۱ ماه رمضان، از همان زمان ما سالگرد هر دو شهیدمان را در شب ۲۱ ماه رمضان برگزار می‌کنیم.

حاج آقا مقدم خاطره خوابی را که پدرش دیده بود اینطور تعریف می‌کند: پدرم مرد مؤمن و خوبی بود. یک شب خواب می‌بیند که نوری از داخل خانه به باغچه می‌رود. خواب را برای یک روحانی صاحب نفس تعریف می‌کند. ایشان هم می‌گوید خدا به تو پسری مؤمن عطا می‌کند. بعد من دنیا آمدم و سال‌ها بعد که ازدواج کردم و جواد به دنیا آمد، فهمیدم تعبیر خواب پدرم مربوط به پسرم جواد می‌شد. در واقع نوری که پدرم دیده بود، خبر از شهادت چنین جوان پاکی می‌داد.

مادر شهید در پایان می‌گوید: پسرمان در شلمچه مفقود شد. شنیده‌ام آنجا جوانان زیادی به شهادت رسیده‌اند. جواد من هم یکی از آنها بود که در کربلای ۵ شهید شد. هر بار که همراه همسرم به راهیان نور و منطقه شلمچه می‌رویم، یاد پسرم زنده می‌شود. خدا می‌داند در لحظه شهادت به او چه گذشت. جوادم امانتی بود که خدا در شلمچه از ما پس گرفت.

جدول

از راست به چپ

■ ۱- شهر آرامگاه شهید مدرس- همسایه سوریه- باریک‌بینی ■ ۲- علاف کردن از معانی این ترکیب رایج فارسی است- صدا ■ ۳- رختکن حمام- ضعف و سستی- مشاور ■ ۴- دلیری و شجاعت- سنگریزه- از قطعات سامانه فرمان خودرو ■ ۵- مجرای رود در کوهستان- کلمه شرط منفی- مردن بر اثر حادثه- صدمتر مربع ■ ۶- آب ترکی- اتصال- خواسته‌های نفسانی ■ ۷- آفرین گفتن- مردم ساکن در یک محدوده معین- برنج شوشتر ■ ۸- از توابع کرمان- ایل و عشیره- قطب قالیبافی در استان آذربایجان شرقی ■ ۹- برادر ایرج و تور- از تیم‌های فوتبال فرانسه- عشق و محبت ■ ۱۰- عید اضحی- دعای بد- جایگزین او ■ ۱۱- زینت‌روی- از اوصاف شیطان- شعر ناسزاگونه سرودن- شوخی ■ ۱۲- آدمکش- سگ بیمار- دریاچه نابودشده در آسیای میانه ■ ۱۳- از محلات قدیمی تهران در محدوده پارک‌شهر فعلی- سرایت‌کننده- شرط‌بندی ■ ۱۴- نهی شاعرانه از آمدن- برنده ایتالیایی نوبل ادبیات در سال ۱۹۲۶ ■ ۱۵- کار ماندگار- جایزه‌ای برای عروس‌خانم- پناه و امان

از بالا به پایین

■ ۱- به‌دست آوردن- نزدیک و قابل تصرف- تندیس ■ ۲- پاسخ مثبت- اثر مشهور منتسکیو، نویسنده فرانسوی ■ ۳- شیوه ممنوعه برای اعتراف گرفتن- تمدنی که خط میخی را ابداع کرد- معشوق ■ ۴- کاردان- سالمند- الفبای نابینایان ■ ۵- تکرار حرفی- امانتدار- پول زور- پالایشگاه خون ■ ۶- صحبت- شهر آرامگاه مولوی- سطح و ظاهر ■ ۷- خوشی- زحمت‌کش- مادر کودکانه ■ ۸- عقیده و اعتقاد- طلوع کردن- پدر سهراب ■ ۹- رسانه مکتوب- غذای دام‌ها- بلند ■ ۱۰- علامت جمع عربی- شکوه و شکایت- رئیس‌جمهور شهید ■ ۱۱- لوس- پیروان یک دین- درجه خلوص سیم و زر- طمع ■ ۱۲- ورزش زمستانی- شهر آشوب تروا- رود و کشوری در خاورمیانه ■ ۱۳- سرمربی سایپا- پایتخت غنا- فریاد شادی ■ ۱۴- مشکل پشت مشکل معنای این عبارت کنایه‌گونه است- اشاره و اطوار ■ ۱۵- وسیله حمل و نقل مایعات- آسان کردن- آتش

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

			۳		۵			
			۸			۵		۴
	۷	۱						
۸							۲	
۳	۲	۷				۹		
				۶			۸	
	۱	۸				۶		
		۵				۱		۷
			۴		۳			

۶	۹	۷	۴	۱	۲	۴	۵	۸
۸	۲	۱	۷	۴	۵	۹	۳	۶
۴	۴	۵	۸	۹	۶	۷	۱	۲
۴	۷	۲	۲	۵	۸	۶	۹	۱
۵	۱	۶	۲	۷	۹	۸	۲	۴
۹	۲	۸	۶	۴	۱	۵	۲	۷
۷	۶	۴	۵	۲	۴	۱	۸	۹
۲	۵	۹	۱	۸	۷	۴	۶	۴
۱	۸	۴	۹	۶	۴	۲	۷	۵

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۴۵۵

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	پ	ا	ر	ی	س	■	د	ی	ف	ر	ا	ن	س	ی	ل
۲	ا	ت	م	ی	■	ت	ا	ک	ا	■	چ	ا	ی	■	ا
۳	ر	ن	د	■	ب	ر	■	س	ر	خ	■	ک	ا	ل	ک
۴	ا	ا	■	چ	ا	د	■	ر	س	ا	م	■	ر	خ	ت
۵	ل	■	ب	ش	ر	■	ت	■	ی	ک	ل	ا	■	ت	و
۶	ی	ر	■	م	ک	ا	ر	م	■	ی	ا	و	ر	■	ز
۷	ز	ح	ل	■	د	م	ا	س	پ	■	ح	ر	ی	ق	■
۸	ی	م	ی	ن	■	ر	م	■	و	د	■	د	ا	ر	ا
۹	■	ت	م	ا	ر	■	پ	ا	س	ا	ژ	■	ل	و	س
۱۰	پ	■	ا	د	ی	م	■	ف	ا	ر	و	ق	■	ه	ل
۱۱	ز	ا	س	■	م	ن	پ	ت	■	ن	ل	ح	د	■	و
۱۲	ز	ک	ی	■	گ	ا	ز	ر	■	خ	ی	ط	■	ا	م
۱۳	د	و	ل	ت	■	ح	ل	ی	■	ج	ن	■	ن	م	و
۱۴	ی	■	ل	ر	د	■	ز	گ	ی	ل	■	گ	ا	ل	ش
۱۵	د	ر	ی	ا	س	ا	ل	ا	ر	■	ی	ل	م	ا	ن